



عایدین یابی

شاعر ومنتقد

واژه هنر در زبان سانسکریت ترکیبی از دو واژه «سو»به معنی نیک و«ن»یا«ره» به معنای زن و مرد به کار رفته است. در زبان یونانی واژه هنر به معنی تَکْنِیس آمده است و در زبان اوستایی «س» به «ه» تبدیل شده که حاصل آن واژه «هون» است که در زبان پهلوی یا فارسی میانه به شکل امروزی «هنر» در آمده که به معنی کامل و فرزانه است. تَکْنِیس اسمی است که به طور اشتباه و به طور تقریبی وام به معنای فناوری و می توان گفت که همان نوآوری محسوب می شود که حاصل تکنولوژی و فناوری است. هنر یک دستاورد روحی و روانی است. هر واژه‌ای تا خودش را و خود واقعی خودش را در جامعه به نمایش نگذارد و رفتارها و کردارهای آن را جامعه تجربه و لمس نکند در واقع اکثر یکنسان خود را به دست نمی آورد. هنر نوعی فکر آورد معنوی – انسانی است که در سلاسه روح و روان و رفتار بشر خود را به دایره نمایش و بایش می گذارد. هنر خلاقیتِ فکر آلود بشر است و همان چیزی است که آورده فکر بشر محسوب می شود. این آورده فکر می تواند هنری یا ادبی باشد و یا هر چیز دیگری که به وجود می آید. وجود هنر کار دستاورد و فکر آوردن انسان خلاق و نوآور و مخیل است. هر دستاوردی که طعم نوآوری می دهد هنر است و هر فکر آوری که آورده‌ای نو و تازه باشد می توان به آن هنر گفت. هنر به انواع مختلف تقسیم می شود که می توان به هنرهای هفتگانه یا هفت هنر اشاره کرد که عبارت تن‌داز: – ۱ هنر موسیقی مانند: (نوازندگی، آهنگسازی و …) – ۲هنر ادبیات مانند:(نویسندگی، شعر، حرکات موزون،آپراسیرک و …) – ۳هنرهای تریسوی مانند:(طراحی،نقاشی،عکاسی،خطاطی و…) – ۴ هنرهای تجسمی مانند:(معماری، دکوراسیون، مجسمه سازی، خیاطی و طراحی لباس، شیشه گری و …) – ۵هنر ادبیات مانند:(نویسندگی، شعر، داستان، فیلمنامه و شعر خوانی و …) – ۶هنرهای نمایشی مانند:(تئاتر، اجرای نمایشنامه و شعر خوانی و …) – ۷هنر سینما نظیر:(بازیگری، کارگردانی و …) – ۸-انیمیشن (هنر بازی سازی) مانند: (طراحی و ساخت بازی های ویدئویی و رایانه‌ای و …) – ۹ از جایی دیگر، مهم ترین عواملی که هنر را شکل و شمایل می دهند عبارتند از: – ۱- تخیل: به معنی صور خیال یا بسامد ذهن هم هست که از مهم ترین عوامل در شکل گیری هنر محسوب می شود. – ۲ عاطفه و احساس و دو عامل مهم و سازنده در تولید و شکل گیری بافت و ساخت هنر به شمار می روند، به طوری که چشمه هنر از سر چشمه این دو مفهوم ارتقاع می کند –۳ چند معنایی بودن و منشور ماندنی است. همچنین وجه مشترک در شکل گیری هنر همین مقوله چند معنایی بودن است و البته پلی فونیک (چندصدایی) نیز از دیگر عوامل مهمی است که در تولد هنر تأثیر بسزایی دارد. هنر برگرفته از طبیعت و جامعه و همه اصوات و آواهایی است که در بطن طبیعت و جامعه وجود دارند و هنرمند با کمک حواس از این دو هنر خود را در شکل و شمایلی زیباشناسانه به تصویر می کشد. اگر چه عقلای ادب و هنر تعاریف متفاوتی از این دنیای هنر ارائه داده اند اما هنر در واقع یک شورش غیر منتظره است که ذهن و باور داشت انسان کنجکار و غافلگیر می کند. بزبانی پرشور دارد اما شور و حال و هول و ولای خود را به طور ناهنگام به دایره هنگامه‌ها می کشاند. هنر خیر نمی کند و بی خیر صدها خیر را در قالبی زیباشناسانه به تصویر می کشد. زبانی است که روح و روان انسان را به وجد و هیجان می آورد و به او باطنی خاطر و آسایش روان خاصی را می بخشد. هنر رابطه نزدیک و تنگاتنگی با متافیزیک و اگزنستانسیالیزم و رئالیسم دارد به طوری که هم در آن فرسوها و مرزهای آسمانی وجود دارد و هم این که یک اصالت وجود دارد و هم نوعی واقع گرایی یا واقعیت تام است که در زندگی همه ما وجود پیدا می کند. می توان گفت هنر نوعی صور خیال است و یا دنیایی ذهنی است که پیامدهایی عینی را به دنبال دارد. تا به اکنون هیچ تفکر جامع و قابل اعتماد و اعتنایی سراغ نداریم که توانسته باشد به اثبات برساند که چه چیزهایی به طور قطع بنا و اساس هنر را تشکیل می دهند اما تجربه نشان می دهد که هنر ماهیتی دارد که هویتش را مشخص می کند و چون به دایره تجربه و اجتماع کشانده می شود بنابراین بدون اساس و پایه هم نیست. هنر نوعی آنتولوژی (هستی شناسی) است که در درون خود آکنده از مفاهیم و مصادیق هست. هنر کار هنرمند نیست بلکه کار هنر آوری است که هنرمندی می کند. میدان داری هنر در میدان هنر آور شکل می گیرد و زمانی می توان به کسی هنرمند گفت که هنرش توانسته هنر آوری کند.مانرو برسیدسی(۱۹۸۲)

تعریفی کار آمد و کاربردی را از هنر ارائه داده به طوری که می گوید: « اثر هنری ترکیبی از شرایط مورد نظر است که به منظور ارائه تجربه‌های زیباشناختی ارزشمند قادر به نشان دادن ویژگی های زیباشناختی هنر باشد.» پائولو پازولینی نویسنده و شاعر برجسته ایتالیایی معاصر درباره هنرمی گوید:«هنر وسیله‌ای است برای به نمایش گذاشتن یک ایده ذهنی خیلی خاص که حداقل در دیگر از آن اطلاع نداشته باشند.» ازاین نگاه هنر به دو دسته تقسیم می شود: نخست هنر آموختنی و دو دیگر: هنر آمدنی است. هنر آموختنی به آن هنری اطلاق می‌شود که وجود دارد و ما این هنر را به عنوان یک پارادایم(الگواره) یاد می‌گیریم. به اصطلاح به وجود آمده و ما مؤلفه‌های این هنر را می‌آموزیم، اما هنر آمدنی آموختنی نیست بلکه هنری است که خود فرد بایستی بتواند این هنر را تولید کند و در واقع ذوق هنری مهم‌ترین می‌گویند. هنر به معنی آن درجه و مرتبت از کمال و جمال آدمی است که بی ادمن می‌تواند هشیاری، فراست، فضل، دانش، بینش، منش، خلاقیت و فضیلت باشد

در گفت‌وگو با مترجم مطرح شد:

«پایان کودکی» رمانی ژاپنی یک سند تاریخی درباره رنج زنان

ما را با آیین‌ها، بازی‌ها، رفتار و به طور کلی فرهنگ و سنت‌های مردم ژاپن در دهه آخر قرن نوزدهم میلادی آشنا می‌کند. با ارجاع به نظریات «تاریخ‌گرایان نوین» همانند لوئیس مونتروزه، جاناتان گلدبرگ و استیون گرینبلت، ادبیات می‌تواند یک سند و یا متن تاریخی باشد. همان‌طور که لوئیس مونتروزه در نقل قول معروفی می‌گوید به «تاریخ‌گونگی متن و متن‌گونگی تاریخ» اشاره می‌کند. به عبارتی دیگر، اثر ادبی یک متن تاریخی است و اثر تاریخی نیز یک متن است. رمان «پایان کودکی» علاوه بر اینکه یک اثر ادبی است، سندی تاریخی از وضعیت مردم ژاپن و به‌خصوص زنان طبقه فقیر در اواخر قرن نوزدهم میلادی (سال‌های ۱۸۹۴ الی ۱۸۹۶) است. تنه‌ها از خواندن پایان کودکی به عنوان یک رمان لذت می‌بریم، بلکه اطلاعات خوبی درباره نحوه زندگی کردن مردم ژاپن در آستانه قرن بیستم به دست می‌آوریم.

◀ **آیا قصد ترجمه آثار دیگری از ایچیو هیگوچی را دارید؟**

بله خوشبختانه با همکاری خانم مریم طریقت‌بین مجموعه چهار داستان کوتاه از ایچیو هیگوچی را نیز ترجمه کرده‌ایم که در میان بهترین داستان‌های او قرار دارند. این کتاب در مرحله ویرایش و بازخوانی است. این چهار داستان نیز سبکی رئالیستی و نااتورالیستی دارند که از نظر سبکی با رمان «پایان کودکی» شباهت بسیار دارند. به امید خدا این چهار داستان کوتاه در یک کتاب تحت عنوان «تقدیرهای جدا» اوایل سال آینده (۱۴۰۲) توسط نشر لوگوس با مدیریت آقای دکتر سلطانی چاپ و روانه بازار کتاب می‌شوند. همچنین باید اضافه کنم، از آنجا که مخاطب نمی‌تواند به چندین زبان مسلط باشد و همه آثار مهم ادبیات جهان را به زبان اصلی بخواند، در نتیجه ضرورت و اهمیت ترجمه پیش می‌آید. همیشه به دنبال آثار ادبی جدید و فاخر هستم که شایستگی ترجمه و معرفی به خواننده فارسی زبان را داشته باشند. از سویی دیگر، به عنوان مدیر گروه ادبیات جهان در مرکز تحقیقات زبانشناسی کاربردی، انتخاب آثار را به کشور خاصی محدود نمی‌کنم. با ارجاع به سخنان یوهان ولفگانگ فون گوته ادیب شهیر آلمانی در قرن نوزدهم، ادبیات دیگر ملی نیست، بلکه با مفهوم «ادبیات جهان» به عنوان یک ادبیات فراملی و جهانی روبرو می‌هستیم. باید تلاش کنیم تا آثار فاخر و طراز اول یا به عبارتی دیگر بهترین‌های ادبی ملل دیگر را مطالعه کنیم. گوته خود صراحتاً اعلام می‌کند، زمانی که مردم آلمان در جنگل زندگی می‌کردند، مردم چین رمان می‌خواندند.

◀ **کتاب «توده خاکستر» (نوشته لین ناتیج، مریدت آکس، نیل لاپیت و کنت کاج) نیز ترجمه دیگری از شماست که به تازگی از سوی نشر لوگوس وارد بازار کتاب شده است. درباره نمایشنامه‌های این کتاب و فضای که مخاطب با آن مواجه می‌شود، توضیح دهید.**
اولین وجه مشترک این نمایشنامه‌ها تعلق آنها به کشورهای انگلیسی زبان یعنی آمریکا، انگلستان و استرالیاست. به غیر از لین ناتیج، این نخستین مریدهای است که در ایران آثاری از مریدت آکس، نیل لاپیت و کنت کاج به فارسی ترجمه می‌شود. وجه مشترک دوم این چهار نمایشنامه موضوعات جدید و درباره چالش‌های انسان مدرن در زندگی است. چالش‌هایی که بعضاً بسیار عجیب و غریب بوده و خواننده را مهیوت ساخته و به فکر وامی‌دارند. وجه اشتراک سوم را می‌توان دنیای مردسالارانه و به چالش کشیدن آن دانست. به عبارتی دیگر، ازدواج، مسائل اقتصادی، روابط زن و مرد و به طور کلی روابط انسانی در دنیای مُردن از دغدغه‌های اصلی این نمایشنامه‌نویسان است. علاوه بر ویژگی‌های فمینیستی و جامعه‌شناختی، «توده خاکستر» و سایر نمایشنامه‌های این مجموعه همچنین آثاری کاملاً روانشناختی هستند که به واکاوی روان ناخودآگاه انسان مدرن می‌پردازند.

طریق سستن و دوختن لباس کسب روزی می‌کردند. روی آوردن ایچیو به نویسندگی برای حمایت مالی از خانواده‌اش بود، به خصوص اینکه یکی از همکلاسی‌های سابقش از طریق نوشتن داستان به شهرت و ثروت رسیده بود. ایچیو هیگوچی از سال ۱۸۹۱ به شکل جدی به نویسندگی پرداخت و کار خود را از خاطره‌نویسی در پنج سال آخر عمرش شروع کرد. وی برای فرار از فقر، فقر روزافزون خانواده‌اش و ترس‌های اجتماعی خودش روی به دفتر خاطرات آورد، جایی که در آن احساس قدرت می‌کرد. همچنین نظریات هنری خویش را در مجلات چاپ می‌کرد و از طریق همین مجلات از نظر منتقدان ادبی راجع به آثارش مطلع می‌شد. پس از خاطره‌نویسی، داستان‌نویسی را با نوشتن داستان‌های کوتاه ادامه داد. نوشته‌های آغازین او جزء ادبیات عامیانه محسوب می‌شدند و در میان طبقه ادبی و نخبه جایگاهی نداشتند. در سال ۱۸۹۳ به‌همراه مادر و خواهرش یک مغازه نوشت‌افزار را راه‌اندازی کردند. کار در محله جدید باعث فراهم شدن ماده خام برای برخی از داستان‌هایش همانند رمان «پایان کودکی» شد. داستان‌های هیگوچی در دو سال پایانی عمرش، یعنی سال‌های ۱۸۹۴ الی ۱۸۹۶، مربوط به دوره یخنتگی او و بیشتر درباره افراد طبقات پایین جامعه و درد و رنج زنان است. با انتشار آخرین داستان‌هایش، ایچیو هیگوچی در تمام توکیو به شهرت رسید.

◀ **میدوری، نوبو، چو کیچی و شو تا شخصیت‌های رمان چه قشری از جامعه ژاپن آن زمان را نمایندگی می‌کنند؟**
میدوری نماینده قشر فقیری از زنان ژاپنی در دهه آخر قرن نوزدهم میلادی است. راوی داستان از ابتدا نگران آینده میدوری شخصیت اصلی رمان است. میدوری دختری نوجوان، زیبا و در آستانه بلوغ است. او به خاطر فقر خانواده‌اش در یک محله بدنام زندگی می‌کند و خواهرش نیز یک زن بد نام است. در واقع، راوی از این نظر نگران است، چون میدوری نیز با رسیدن به سن بلوغ باید کار خوارهر بزرگترش را انجام دهد تا کمک خرج خانواده باشد. رفاه نسبی میدوری و خانواده‌اش به خاطر وجود خواهر بزرگترش است و تمام نگرانی راوی برای این است که میدوری قرار است سرنوشتی مشابه خواهرش داشته باشد. نوبو، چوکیچی و شو تا هم‌بازیان میدوری در دنیای کودکی هستند. نوبو به عنوان یک پسر نوجوان، دیگر شخصیت اصلی رمان است. او پسر راهب بودایی محل است و می‌خواهد آموزه‌های بودایی را در معبد فرا گرفته و با رفتن به مدرسه بودایی‌ها کار پدرش را ادامه دهد. نوبو پسری خوش‌قلب است و رفتار او با سایر نوجوانان محله فرق می‌کند. نوبو نه تنها رفتاری خصمانه علیه میدوری پیش‌نمی‌گیرد بلکه عاشق میدوری می‌شود اما خجالت می‌کشد از اینکه عشقش را به میدوری اظهار کند؛ به‌رغم اینکه همانند سایر هم‌بازیان خود به کار خواهر بزرگتر میدوری آگاه است. نوبو همچنین از رفتارهای پدر خودش به عنوان یک راهب بودایی شرمساز است، زیرا پدرش هر شب او را برای خرید مارماهی به بازار ماهی‌فروشان می‌فرستد و بعد دود کباب مارماهی در معبد به راه می‌اندازد. پدر نوبو همچنین دختر بزرگ خود را بیشتر استفاده‌کنند. در واقع، نوبو نقش پسر یک راهب ریاکار را برعهده دارد که این راهبان بودایی نماینده قشری از مردم ژاپن در سال‌های دهه ۱۸۹۰ میلادی هستند.

◀ **فرهنگ و سنت‌های خاص ژاپن تا چه میزان در این اثر نمود دارد؟**

رمان «پایان کودکی» بازتابی از آخرین سال‌های زندگی ایچیو هیگوچی در شهر توکیو – پایتخت ژاپن – است. این رمان



آرمان ملی – بیتا ناصر: ایچیو هیگوچی (۱۸۹۶–۱۸۷۲)، نویسنده ژاپنی مشهوری است که تنها ۲۴ سال فرصت زندگی داشت، اما با این حال تأثیرات شگرفی بر داستان‌نویسی مدرن ژاپن گذاشت. «او یکی از نخستین نویسندگان ادبیات ژاپن است که به توسعه و شکوفایی داستان واقع‌گرایانه در این کشور کمک کرد» و رمان «پایان کودکی» که در سال ۱۹۸۵ از این نویسنده منتشر شد، همچنان مشهورترین رمان رئالیستی ژاپنی در جهان به‌شمار می‌آید؛ داستانی که از معصومیت به با درفته کودکان ژاپنی بر اثر فقر و ناگزیری می‌گوید و سیدشهاب‌الدین ساداتی، مدیر گروه ادبیات جهان در مرکز تحقیقات زبانشناسی کاربردی و استادباز زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی رودهن به‌تازگی آن را ترجمه و از طریق نشر لوگوس، روانه بازار کتاب کرده‌است. آنچه در ادامه می‌خوانید، مصاحبه با مترجم این کتاب است.

◀ کتاب «پایان کودکی» نوشته ایچیو هیگوچی (داستان‌نویس و رمان‌نویس ژاپنی) که به‌تازگی با ترجمه شما و از سوی نشر لوگوس به چاپ رسید، مشهورترین اثر ادبیات ژاپنی در غرب به‌شمار می‌آید. ابتدا درباره موضوع و درونمایه این رمان بگویید.

همان‌طور که اشاره کردید، رمان «پایان کودکی» اثر ایچیو هیگوچی مشهورترین رمان رئالیستی ادبیات ژاپن در جهان غرب به‌شمار می‌آید، اما متأسفانه در ایران ناشناخته مانده بود. به همین جهت تصمیم گرفتم تا با کمک خانم مریم طریقت‌بین (کارشناس ارشد مترجمی زبان انگلیسی)، ایچیو هیگوچی، این نویسنده زن ژاپنی را به فارسی زبانان معرفی کنم. در واقع، این اثر نخستین بار سال ۱۸۹۵ میلادی در ژاپن چاپ شد و حال پس از گذشت حدود ۱۲۷ سال برای نخستین بار به زبان فارسی ترجمه می‌شود! رمان «پایان کودکی» داستانی درباره فقر است. یک رمان با رویکردی جامعه‌شناسانه درباره ترسیم و تحلیل زندگی طبقه فقیر جامعه و سرنوشت محتوم زنان جوان است. این اثر در عین حال تضاد فقرا با طبقه ثروتمند خوشگذران را به تصویر می‌کشد و درباره کودکانی است که در انتهای داستان وارد دنیای بزرگسالان می‌شوند و مسئولیت‌های جدید برعهده می‌گیرند؛ داستانی که از تابستان گرم و شاد شروع می‌شود و به پاییزی سرد و غم‌انگیز منتهی می‌شود. «پایان کودکی» رمانی زیبا و در عین حال داستانی غم‌انگیز درباره سر آمدن دنیای خوش‌کودکی و نوجوانی است؛ داستانی درباره بلوغ جنسی و از دست رفتن معصومیت است. این رمان یادآور داستان‌های غربی در مکتب ناتورالیسم (طبیعت‌گرایی) است، جایی که شخصیت‌ها نمی‌توانند از سرنوشت محتوم خود بگریزند و مقهور نیروهای طبیعت می‌شوند.

◀ همان‌طور که در پیشگفتار کتاب آمده، هیگوچی «نخستین زن نویسنده حرفه‌ای از دوران ادبیات مدرن ژاپن بوده و از او به عنوان تجسمی از واقع‌گرایی» یاد می‌شود. از این منظر آثار او در قیاس با نویسندگان دیگر ژاپنی، از چه جایگاهی برخوردار است؟

ایچیو هیگوچی دوم‌ماهه سال ۱۸۷۲ در توکیو در خانواده یک کشاورز چشم به جهان گشود و در بیست و چهارم نوامبر سال ۱۸۹۶ یعنی زمانی که تنها بیست‌وچهار سال داشت، به دلیل ابتلا به بیماری سل چشم از جهان فرو بست. او در عمر کوتاه‌خود تأثیر شگرفی بر داستان‌نویسی مدرن ژاپن گذاشت. به

مسافران داستان‌های خود را می‌گفتند و کشتی به آرامی پیش می‌رفت

درباره رمان کاندید اثر ولتر



فرشته نوبخت

نویسنده وپژوهشگر

رمان «کاندید» نوشته فرانسوا ماری آرونه، مشهور به ولتر، رمانی فلسفی است که به شیوه‌ای آریونیک و با زبانی طنز، دیدگاه‌های خوشبینانه فلاسفه‌های همچون لایبنیتز را به‌سُخره می‌گیرد. ولتر فیلسوف عصر روشنگری است. عصر او، عصراستبداد و جامعه طبقاتی بود. در آن زمانه، دو تفکر یا یکدیگر در جدال بودند. یکی بر این بود که طرحی کلی و الهی بر هستی حاکم است که همه اتفاقات و رخداد‌های جهان را در یک نظم غایی، به سوی هدفی خیر و نیکو پیش می‌راند؛ و در برابر دیدگاهی برآمده از عصر روشنگری رواج می‌یافت؛ که بیش از هر چیز منادی خرد و اندیشه بود و خوشبینی‌ها را از منظر عقل به پرسش می‌گرفت. «پانگلوس گفت: عشق مایه تسلی نژاد بشر، نگه‌دارنده جهان، روح تمام موجودات حس دار، عشق، عشقی لطیف. / کاندید گفت: مرد بیچاره، من هم تجربه چنین عشقی را داشتم. اما چیزی از من یاد نگرفت. چنین معلول نغرت‌انگیزی را پدید آورد» (صفحه ۲۰) ولتر در نقد و روشنگری چنین فضای، آثارش را با نام مستعار منتشر می‌نمود. کاندید مردی ساده‌دل و نیک‌سیرت است، که ذاتا روحی عاری از پلیدی و شرارت دارد. او کلام ناراست نمی‌گوید، چون ناراست است. سخن زشت بر زبان نمی‌راند، چون زشت است. حساب و کتاب به شیوه معمول مردمان زمانه‌اش نمی‌داند. اصول فرصت‌طلبی را بلد نیست و اصولا

فرهنگ ایرانی در رمان کاندید نیز آمده است. روایت قاب، یا خط اصلی داستان، جست‌وجوی کاندید برای یافتن دوشیزه کونه‌گوند است. دختری که به خاطرش از قصر بارون، یعنی بهترین جای عالم، بیرون انداخته و آواره می‌شود. در دل این روایت‌ها، روایت‌های فرعی حضور دارند که با چرخش راوی‌ها به‌نقل حکایت‌های مختلف و مرتبط با خط اصلی می‌پردازند. ولتر با استفاده از دو ساخت‌مایه «شوق» و «تلاش»، مجادله‌ای را به عرصه داستان کشانیده که بیش از آنکه در پی فیصله دادن به پرسش‌های فلسفی رمان باشد، به دنبال نمایش دادن دو دریافت متفاوت از زندگی است که اراده، اختیار، آزادی، عدالت و عمل انسان‌ها را می‌نمایاند. کاندید یک هدف دارد که مصرانه در طول داستان آن را دنبال می‌کند، اما در نهایت وقتی به هدفش می‌رسد، این سوال پیش می‌آید که آیا این چیزی بود که واقعا می‌خواست؟ آیا حقیقت همین بود؟ «پس از بدبختی‌های فراوان کاندید با معشوقه‌اش ازدواج کرد و زندگی با پانگلوس فیلسوف مار تین فیلسوف کاکامیوی دوراندیش و پیرزن با الماس‌های فراوانی از سرزمین ایناکاها که … ولی … همسرش روز به روز زشت‌تر، ترش‌روتر و تحمیل‌ناپذیرتر می‌شد … (صفحه ۱۳۴) «پرسی هستی‌شناسانه که لحن طنز ولتر، زهر آن را می‌گیرد. روزی کاندید همراه با دوستان فیلسوفش (مار تین و پانگلوس) از کنار مزرعه‌ای می‌گذرند؛ پیرمردی آنجا است که روی پله‌های خانه‌اش در سایه‌سار درختان پرتقال‌نشته‌ش واز تخمکای روز لنت می‌برد. پانگلوس امیدوار است بتواند درباره «علت‌ومعلول، بهترین دنیاهای ممکن، منشاء بدی، ماهیت روح ونظم از پیش معین شده» بحث کند، اما پیرمرد می‌گوید: «… من همین قدر که میوه‌های باغم را بفروشم، راضی‌ام. (صفحه ۱۳۴) کاندید متوجه می‌شود آنچه حقیقتا می‌خواست، رسیدن به عشق گونه‌گونند، که حالا می‌فهمد اصلا هم زیبا نبوده و یا کشف طرح عظیم حاکم بر هستی و نظم زرخدا‌ها و ماهیت اشیاء نبوده است؛ و حالا تنها کاری که باید انجام دهدد این است که

ادبیات ۷

آرمان ملی

«باغ‌مان را شخم بزنیم. (صفحه ۱۳۵)» به این ترتیب، اندیشه ولتر در رمان کاندید ایده‌هایی که درباره فرهنگ فلسفی مطرح می‌ساخته، مربوط شده و از طریق یک طرح داستانی بسط می‌یابد. ایده‌هایی همچون عدالت، برابری، آزادی بیان، مذمت جنگ، آزادی عقیده، آزادی‌های فردی، دین و الهیات، که ساخت‌مایه قصه‌هایی می‌شوند که در دل یکدیگر روایت می‌شوند تا اندیشه و سخنی را حول دو محور اساسی تر و کلان‌تر، یعنی «خیر» و «شر» ترتیب می‌دهند. با این همه نقدی که به کاندید وارد است و به نظر می‌رسد حاصل نگرش شدیداً ماترالیستی ولتر باشد، این است که شیفتگی‌اش به بیان رخداد‌های پیوسته‌ای و بی‌وقفه، آن را عاری از هرگونه فرصت تعمق و تأمل گرا ندیده‌است. در واقع نیروی پیش‌برنده روایت‌ها، بر میل به توقف حین خواندن و تأمل غلبه دارد و این مغایر با مدعایی است که رمان به عنوان مضمونی کلان مطرح می‌کند. زیرا با شتاب به سوی هدفی در حرکت است که آن را به پرسش گرفته‌است. کاندید روایت‌ها را به خدمت تقویت این معنا می‌گیرد که هیچ هدف غایی و کلی و هیچ سرنوشت ضرورت‌ناخیزی وجود ندارد. ولی لخم مژمان نیرویی با شتاب را به سوی درک این معنا می‌برد که از پیش برایش طرحی ریخته شده است. به همین سبب هیجان جنگ‌ها، کشتارها، مثله کردن‌ها، خون‌ریزی‌ها،

و … با مفصل‌بندی‌های گفتمانی (چیزی که ولتر آن را به سُخره می‌گیرد) به جوتنی بدل می‌شود که به روایت کشیده شده و آن را عرصه منازعه و کشمکش‌های بی‌معنا می‌گرداند. «ساده‌دل» با ترجمه رضامردی اسپیلی از نشر نگاه.

